

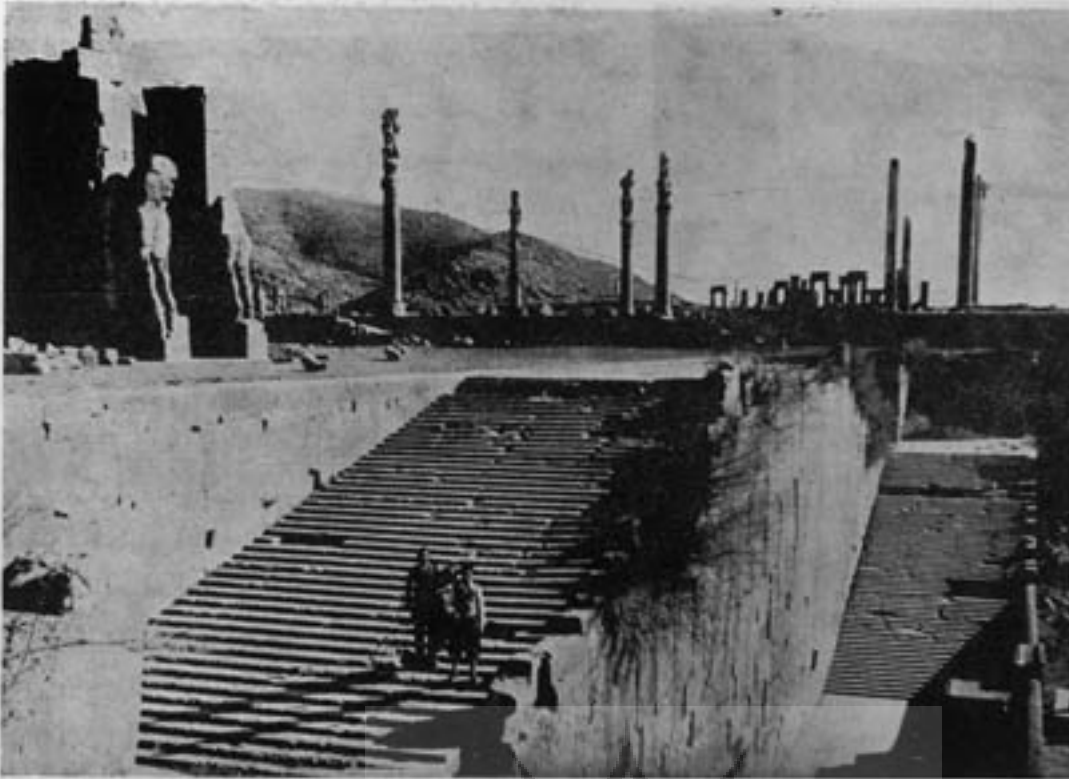
دورنمای تخت جمشید

داریوش اول

داریوش بزرگ پسر کشتاسب نوۀ آرشام نتیجه آریا رعنا و نیرۀ چیش
 یدش دوم هخامنشی شاهنشاه جهانگیر پیشین ایران باستان و همین پادشاه دودمان
 هخامنشی است که پاره ای از مؤلفین و مورخین او را در دیف (توت یس) سوم
 فرعون نامی مصر و (سارکن) دوم پادشاه آشور و (ایختنیمس) اول شاه آشور
 بزرگ بابل دانسته و بزرگترین سلطان مشرق زمینش می شمارند. در حقیقت
 اگر داریوش بنحمت شاهی ایران نمی نشست سلسله هخامنشی پس از کبوجیا
 منقرض میگردید.

داریوش هنگامیکه کامبیز (کبوجیا) پسر کورش بزرگ در سال ۵۲۵
 یدش از میلاد برای تسخیر و فتح مصر رفت والی یارس بود.

کامبیز برادری داشت (بردیا) نام که والی یارت و باختر و خوارزم و طرف
 میل اهالی واقع شده بود، کامبیز برای آنکه بعد همامانی جهت سلطنت پیدا نکند
 (بردیا) برادر خود را یدش از رقتن بمصر بفرستاد. چنانچه داریوش در شد
 ده از کتیبه های بیستون سی و شش کیلومتری کرمانشاه که رو نوشت آن در زیر
 نگاشته شده حقیقت این امر را مینویسد در صورتیکه مورخین یونانی مانند
 هرودوت و غیره معتقدند برایشکه (بردیا) همراهی کامبیز بمصر رفته است.
 البته نوشته داریوش مدرک صحیح و نوشته مورخین بی اساس میباشد.



داروی سنگی اخطه مدخی نویسانده در شلوف اثرابه سد و سی و سه کیلومتری کانال سوئز نصب نمود. اخیراً کتیبه نامبرده کشف گردیده و مفادش این است:

کتیبه میخی پالین راجع به کانال سوئز. گفتار داریوش بزرگ است

پلنگهای بزرگ و بخشی از ستونهای تخت جمشید

و در پیشش شاه گوید. من پارسى هستم با مردمان پارسی مضر را گرفتیم من امر کردم این مجرا را بکنند از رود نیل که در مصر جاریست آبادیانی که از پارس بدان روند پس این مجرا بکنند و سدها بنا کنند که این مجرا را داریوش در ۵۱۴ پیش از میلاد به سکاکیه اروپا رهسپار گردیده مردمان آنجا را باطاعت در آورد و (سکونیهای) سکاکی را مغلوب و دستگیر نمود و برای کشفتن از سکاکیه روی بوغاز بسفوریلی بنا کرد و بعد از آن ترا کتیبه و مقنونیه و جزایر بحر الجزائر را تسخیر نمود و در سال ۵۱۳ بخشی از هند غربی را بایران ضمیمه کرد. بیست و دو سال بعد یعنی در سال ۴۹۰ پیش از میلاد ابن شاهنشاه عظیم الشان بزرگواران که باعث افتخار و سرافرازی ایسی ایرانیان است به کشورهای یونان لشکر فرستاده در دشت (ماراتن) نزدیک آتن با یونانی ها جنگید و بنا به کتیبه هر دو دوت مورخ یونانی سیاه ایران قلب لشکر یونان را شکافته و پیش رفت.

حدود ایران در زمان فرمان روائی داریوش کبیر چنین بوده است: در شمال: رود دانوب، کوههای قفقاز، دریای کسپین (خزر)، رود سیحون، در مشرق: سحرای هند و پنجاب هند. در مغرب (بنا به کتیبه هرودوت) صفحات غربی شبه جزیره بالکن. در جنوب: دریای عمان و خلیج فارس، حبشه مجاور مصر. از زمان داریوش بزرگ که مرسوم بوده که پادشاهان هخامنشی پیش از مرگ خود مقبرهای در سینۀ کوه آماده نموده پس از مردن جنازه آنها را با اسبابهای بسیار گرانبهای زرین در آن میگذاردند و آرا به وسیله درب سنگی می بستند.

𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲
 𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲
 𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲
 𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲
 𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲
 𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲
 𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲
 𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲
 𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲

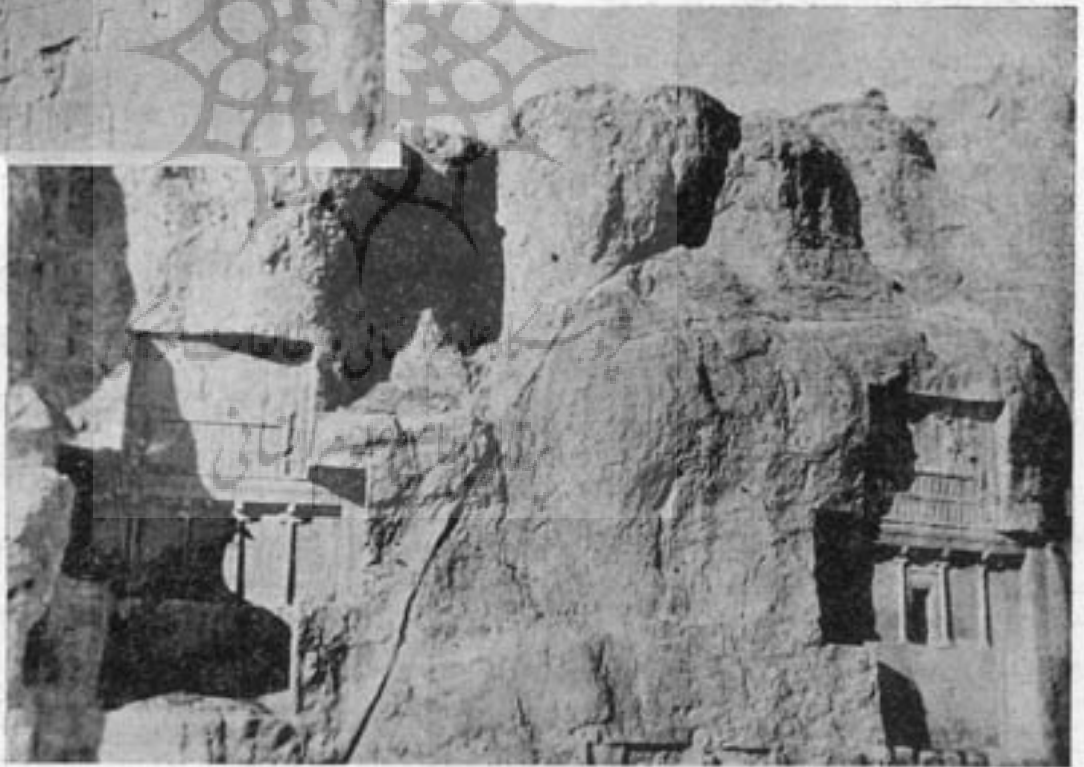
𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲
 𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲
 𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲
 𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲
 𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲
 𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲
 𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲𐎠𐎡𐎴𐎧𐎫𐎲



در پنج کیلومتری شمال تخت جمشید کوهی است معروف بکوه حاجی آباد که محل آفرایش رستم هم میگویند. داریوش در حیات خود دستور فرمود تا مقبره ای در سینه کوه نامبرده برای او ساختند. ظاهر مقبره به بلندی بیست و چهار متر و بشکل صایب و دارای سه بخش افقی روی یکدیگر میباشد. درون آن نه قبر دارد. صورت داریوش در بالا روی تخی حجاری شده و تخت را بیست و هشت نفر از نمایندگان ملل نگاهداشته اند.

در بیرون مقبره یا دخمه در بخش بالا پشت سر داریوش کتیبه‌ای راجع به کارهای انجام داده و باره ای پندها و نام کشورهای باجگذار با سر او فرکرده است بدین طریق:

داریوش شاه گوید: این است کشور هائیکه سوای پارس به کمک اهورمزدا گرفته ام. بر آنها فرمانفرمائی دارم. بمن بساج میدهند. آنچه گفته من است اجرا میکنند. در آنها آئین (قانون) من محفوظ است: ماد، خوزستان، پارت، هرات، باختر و بلخ، سغد، خوارزم، سیستان، رخیج، تکت گوش، گندار، هند، سکا، هوم، وژکا، سکا بگر، خودا، بابل، آشور، عربستان، مصر، ارمنستان، کاپادوکیه، لیدیه، یونانیهای آسیای صغیر، سکاها، آنطرف دریا، مقدونیه، یونانیهای سیردار و تراکیه، یونی‌ها، حبشه، مجیا و کرکا.



مفره داریوش در نقش رستم

داریوش اداره میکرد باین پیکرها بشکر، آنها تخت مرا میبندند از اینرو تو آنها را میتوانی بشناسی، آنوقت تو خواهی دانست که نیزه های پارسیهادور رفته و خواهی دانست که پارسها دوراز پارس جنگ کرده اند. داریوش شاه گوید: آنچه کردم بیاری ارمزد بود، ارمزد بمن باری کرد تا کار را بیایان رسانیدم، ارمزد مرا از هریدی نگهباندار و همچنین خانواده مرا و این کشورها را، ایست درخواست من از ارمزد، ارمزد این درخواست مرا بپذیرد.

دورنای نقش رستم

داریوش شاه گوید: اهورمزدا وقتی که دید این سرزمین کارش مختل شده آنرا بمن سپرد، مرا شاه کرد. من شاهم بیاری ارمزد، من آنرا به ترتیب صحیح در آوردم، هر آنچه با آنها فرمودم انجام داده شد، چنانکه میخواستم اگر تو بیندیشی چه در هم و برهم بود کشور هائیکه

داریوش یکسال پس از شورش جدید مصر در سن شصت و چهار سالگی بعد از سی و شش سال فرمانفرمائی در سال ۴۸۵ پیش از میلاد زندگانی را بدرود گفته و نام بر اقتضای خود را در صفحه روزگار بیادگار و کشور پهناوری برای ملت غیور و قدر دان خود باقی گذارد.

حسین بصیری